

## یک میان برنامه جذاب، خرد زا و خیال انگیز

### با درود و بهیخواهی و بهیجویی!

آنچه را که امروز به عزیزان تقدیم میدارم؛ در سلسله نگارش و خوانش و دانش «بیشتر برویم، عمیقتر بیاندیشیم و بهتر بیاموزیم» از این دیدگاه «میان برنامه» خواننده ام که نه زیاد تصادفاً هم به گذشته و هم به آینده این سلسله؛ پیوند های ماهوی و منطقی دارد و در عین حال نوعی استراحت و تمدد ذهنی را فراهم میکند.

در پیش و پس و کم و بیش پاره یاد داشت هایی که در این میان برنامه می آید؛ تعدد و نگرش ویژه وجود ندارد. همه چیز تصادفی و یا بر حسب پیشامد گزاره ها و رویداد ها میباشد.

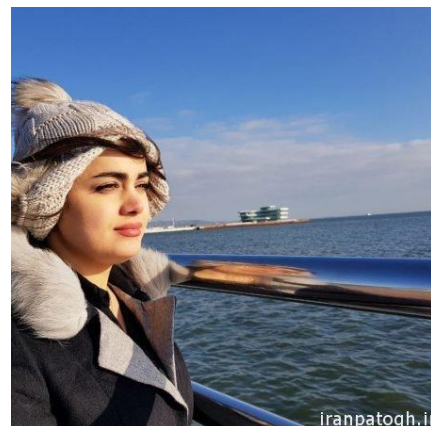
\*\*\*\*\*

### جادوی هنر و آواز خوانی جادویی:

در ماه ها و به ویژه هفته های پسین؛ از ناحیه خانم ها و دختران هموطن که به نحوی از انحا به خوانش و سرایش می پردازند و بنابر آن در رسانه های اجتماعی مطرح اند و یا آنلاین وادار به بگو مگو می گردند؛ مطالب نامرغوب، گاه زننده و ناراحت کننده خیلی شنیده میشود. متأسفانه یکی از انتباهات این است که خیلی از این همدیاران به ممارست های تعالی بخش هنری و ادبی و به پرورش ملکات برازنده طبیعی خویش چون آواز و غنای بیانی و زیبایی های فرهنگی کمتر توجه داشته و بیشتر به صورت و قد و قامت و حرکات و سکنات نه چندان موزون و لازمی؛ متکی اند و کمابیش هم پی اثبات خود با نفی و نفرین حریف و همتراز میباشند.

با سابقه ذهنی ای چنین؛ بنده وقتی به شهرت و موفقیت و محبوبیت یک جواندختر گیلانی برخوردم و اجرا هایی از او را دیدم گرفتار حسرت و ایکاش دامنه داری گردیدم خاصه که با تتبع و کاوش زیاد هم نتوانستم معلومات ضروری چندان در موردش بیابم تا چه رسد به رکلام ها و تبلیغات پیرامونش.

او فاطمه مهلبان نام دارد؛ تازه در انستالگرام صفحه شخصی گشوده و اجرا هایش توسط گرادانندگان متعدد در یوتیوب نیز به اشتراک گذاشته میشود. فکر میکنم مطالعه و تأمل در مورد این ستاره هنری؛ خیلی خیلی به درد دختر خانم ها و دوشیزگان ما که ذوق و تحرک موسیقایی و هنری دارند؛ میخورد.



البته پرداختن من؛ به این دوشیزه و آواز و هنرش؛ تنها هدفی در حدود بالا را احتوا نمیکند؛ نمونه آواز و گزینش های شعر ناب و فولکلوریک با لهجه هایی که او اجرا کرده است؛ در مباحث آینده پیرامون «...انسانیت...» به میان خواهد آمد. موسیقی با استعدادی درین مرتبت؛ از عناصر خیلی والای انسانیت است!

دم نقد میتوانید اجرا های دخترخانم فاطمه مهلبان را به انتخاب بنده از لینک های زیر دانلود نموده و روان خویشتن را بهره ور نمایید:

تک پارچه ها:

<https://www.youtube.com/watch?v=BpVhY5jDFSo>

<https://www.youtube.com/watch?v=GmCFH5uPNw8>

[https://www.youtube.com/watch?v=eB2Bq\\_gkqvl&index=4&list=PLL277HQNaKlg5oCQ7Z283NJQWO6xzvYW4](https://www.youtube.com/watch?v=eB2Bq_gkqvl&index=4&list=PLL277HQNaKlg5oCQ7Z283NJQWO6xzvYW4)

<https://www.youtube.com/watch?v=MIGAQkShsl&index=1&list=PLL277HQNaKlg5oCQ7Z283NJQWO6xzvYW4>

بسته های چندگانه :

<https://www.youtube.com/watch?v=bjm4sur2Cxs>

[https://www.aparat.com/video/video/embed/vt/frame/pid/0/showadstart/no/showvideo/yes/videohash/1aYpU?data\[as\]=1](https://www.aparat.com/video/video/embed/vt/frame/pid/0/showadstart/no/showvideo/yes/videohash/1aYpU?data[as]=1)

\*\*\*\*\*

## عاقبت اسطوره سازی ساده لوحانه؟!!

در مورد گرفتاری قوماندان علیپور؛ گزارشنامه افغانستان نظر گزنده آتی را قایم کرده است:

« عاقبت اسطوره سازی ساده لوحانه این است

چه دشوار بود؛ اما چه بی زحمت با پای خود به معرکه آمد.



خبری انتشار یافت که فرمانده شمشیر یا همان علی پور در غرب کابل به دام تیم عملیاتی امنیت ملی افتاده است. او در منطقه قلعه قاضی کابل چه کار داشت که آمده بود؟ حقیقت این است که وی با پای خود، رضاکارانه آمده بود که دستگیر شود. سوار یک موتر فلنکوچ، بی هیچ تدابیری پیاده می شود؛ چند نفر لباس شخصی دست هایش را بسته و خریطه ای سیاه به صورت می پوشانند....»

در ظاهر امر همین است که هست.

ولی به نظر این کمترین اگر؛ او " رضاکارانه آمده بود که دستگیر شود." شاید درین وریانت هم تعمد و تدبیر و پلانی بوده باشد. خاصه که اوضاع کشور عموماً و رژیم ارگ اندرون؛ به سختی تبار است. موج هایی عمداً و به گونه زیر زمینی و جادویی و فریبنده ایجاد و راه اندازی میگردند تا مدد کند که گام به گام هدف های معینه دست یافتنی یا سهل الوصول گردد.

چنانکه گرفتاری این چنین مفت و ارزان قوماندان شمشیر توسط رژیم؛ فشار سنگین خیزش های خشم آلود مردمی نامحدود را برای رژیم باعث گردیده است و شاید معادلات را کاملاً معکوس گرداند.



حالا توجه بر هزاران فاکت دیگر را به کناری می نهیم؛ صرف به این دقت نمایید که کدام نیرو کمسیون انتخابات را وا داشت تا از تعطیل سه ماهه بیشتر در موعد اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری حرف و حدیث ساز کند؛ این غالباً در راستای زمزمه ها از «حکومت موقت» خواهد بود!

چیزی که ارگ را تمام قد برآشوباند و ناگزیر از ابراز مخالفت و تأکید بر تاریخ قبلاً اعلام شده نمود. آیا کشمکش بی بس بزرگ "زیر پوست شهر" حس نمیشود؟

از مدت ها پیش معلوم است که درین کشور نه همه چیز که حتی قسمت چندانی از چیز ها در اراده و توان فی المثل گرفتار کنندگان قوماندان علیپور نیست.

با اینهم میتواند قوماندان علیپور و یاران و مشاوران همه اشتباه و عاقبت نسنجی و (با معذرت: بیعقلی) کرده باشند. هنوز کس نگفته که انسان جایز الخطا نیست و تازه آنکه داعیه ای دارد؛ مدام در حصار تخته بند بوده نمیتواند طبق استراتژی و تاکتیک های مآلاً کامیاب یا ناکامش باید حرکت کند. اینکه کجا ها و چطور ها؛ شاید همیشه از دید ناظران قابل تعیین و تصویب نباشد.

اینها را نه له و نه علیه علیپور و طرف مقابل میگوییم؛ در آتی اگر بخت یاری کرد؛ از این تجربه های برجسته در توضیح و توسیع مفهوم «...انسانیت..» سود ها خواهیم برد.

\*\*\*\*\*

### از انسانیت به فرا انسانیت

این نام و عنوان نگارش و تألیف غرا و زیبا و نو آورانه و جسورانه ایست از شاعر و نویسنده و محقق جوان نصرالله نیکفر.



بنده با شور و شغف و امید و آرزوی فراوان به این همدیار بلند اندیش تبریک و تهنیت می‌گوییم. البته تیز های مقاله پسان در سلسله مباحث جاری «..انسانیت...»؛ نقد و بررسی خواهد شد. ولی به طور یک کل ارج و منزلت این اثر و پیام ها و الهاماتی که میبخشاید؛ سخت عزیز و گرامی و در عین حال ضروری و حیاتی است.

برای این کمترین جای شادمانی غرور آفرین دارد که جوانانی در سطح و سن و روزگار دیده گی جناب نصراله نیکفر به اساسی ترین و حیاتی ترین مفاهیم زیست شناسی و انسان شناسی و تاریخ و فرهنگ ... حاکم شده اند و نسبتاً به سادگی و سلاست با قلم و سخن خویش میتوانند سایرین را به آنها آشنا و صاحب استیلا بگردانند.

البته مغالطه نشود که این مفاهیم کشف فقط این و آن شخص معین نبوده مرهون تمام تاریخ تکامل بشریت میباشند و نوابغ فرهیخته جوامع سراسر گیتی و تاریخ در بروز رسانی و تبویب و تبیین آنها نقش های متواتر کمال بخش ایفا کرده اند و میکنند و داده های علوم پایه و ساینتفیک درجات یقین بر آنها و کارایی و کاربردی شان را تأمین و تضمین روز افزون مینمایند.

برای اکنون از کلیه عزیزان آرزو می برم که این نوشتار مبتکرانه و پر بار را دانلود و به دقت مطالعه بفرمایند و ملاحظات خویشان را به اینجانب ارسال فرمایند و یا هم راساً به نشر بسپارند. اینها همه بحث آور و اندیشه برانگیز اند نه ختم کلام و آیات منزل!

بگذار؛ ماهم هرکدام به تنهایی و همه نیز گروهی یا یکجایی؛ انسانیت را اندیشه کنیم؛ آزمایش و آرایش و پیرایش کنیم!

در انسانیت ببالیم و انسانیت را زنده گی کنیم!

## انتحار و خود کفانی «استشهادی» در انبوه «علمای احناف»



آنچه درین سیاق چند شب و روز پیش در هتل مجلل اورانوس شهر کابل رخ داد؛ اکنون دیگر از «کفر ابلیس» هم؛ روشنتر است؛

البته در ظواهر و کلیات؛ ولی در بواطن و اجزا و لا در لاها؛ پنهانی و پنهانکاری و پرسش ها و تنش ها نه کم است و نه کم خواهد شد.

میگویند: چون در جنگل آتش افتاد؛ تر و خشک می سوزد.

این مصداق که؛ هست و هست ولی با اینهم عواطف و احساسات ما بر این مصداق وقع نمیگذارد و به عکس گرفتار انهای گوناگون عجیب و غریبی از آن میشویم؛ چنین عواطف و احساسات و تاثرات هم درین مورد همه جا بروز گردید.

البته پیش از عواطف و احساسات سایرین؛ در همچو موارد اعلامیه های سخنگویان مسئول خیلی خیلی مهم است؛ چرا که سخنگو نه فقط در جریان حادثه میباشد بلکه در جریان پروسه تکوین و تدارک حوادث و رویداد ها قرار دارد که هرگز آنی و تصادفی نبوده و نیست و نمیتواند باشد.



رویداد عظیمی چون حادثه کشتار ملاصاحبان توسط انتحار در مراسم سالگرد مولود رسول اکرم اسلام؛ ماه ها تدارک و زمینه سازی و تدبیر و ترفند نیاز دارد و نهاد ها و ارگانها و سازمانهایی که به همچو اقدامات می پردازند؛ البته بخش ها و اعضا و مربوطین خود را که سهمی در عمل ندارند و موضوعی به آنها تعلق پیدا نمیکند تماماً با خبر نگه نمیدارند اما «سخنگو و سخنگویان» گام به گام در جریان قرار میداشته باشد؛ تا آنکه به مجرد وقوع امر؛ اعلامیه مربوط را صادر میکند چرا که دیگر تعلل و تاخیر سودمندی کار انجام شده و بهره گیری از آنرا کاهش میدهد و حتی با در نظر داشت بهره جویان فرصت طلب؛ ممکن است؛ نتیجه را به هیچ و پوچ برابر نماید.

با در نظر داشت این حقایق آنچه در دقائق نخست توسط سخنگو متبازر میشود؛ طبیعی و منطقی و درست است؛ و اگر این بروز رسانی نخست؛ بعد ها تغییر داده میشود؛ اغلب نادرست و طبق محاسبات سیاسی؛ دغا بازی و دغلکاری است!

ولی اینکه همه اینها با مفهومی چون «انسانیت» چه نسبت ها دارد؛ سوال کوچکی نیست؛ از این نسبت ها نمیتوان گریخت چرا که سخن بر کارنامه هایی است که از «انسان» صادر میگردد!